

فلفل نبین چه ریزه!

خب! موضوع را با یک پرسش و پاسخ علمی شروع می‌کنم.
حباب چیست؟ مقداری از چیزی در چیز دیگر که معمولاً گاز در مایع است...او!م! چطور بگویم؟ توضیحش سخت است. حالا اگر نفهمیدیم هم خیلی مهم نیست چون حباب از آن چیزهایی هست که همه با آن خاطره داریم از تفنگ حباب‌ساز گرفته تا حباب طلا و دلار و مسکن. حالا نانوحباب (Nano Bubbles) چیست؟ آفرین! حباب‌های گازی خیلی کوچولو که ویژگی‌های خفنی دارند. خلاصه فلفل نبین چه ریزه‌ای هستند برای خودشان!
نانوحباب‌ها چون کوچولو هستند، می‌توانند خود را در بسیاری از فرآیندهای صنعتی و زیستی جا کنند. هول نکند!د فرآیندهای صنعتی و زیستی می‌شود چیزی در مایه‌های همان بهبود کیفیت زندگی خودمان.
از افزایش بازدهی در تصفیه‌خانه‌ها شروع می‌شود و اوه... می‌رود تا ریا... نه یعنی تا بهبود رشد گیاهان و کارایی درمان‌های دارویی.

نانوحباب‌ها از آنجا که خیلی بچه‌های بامرامی هستند، دست اکسیژن‌های بیشتری را می‌گیرند و با خودشان می‌برند...پارتی؟ نه جانم! بحث علمی هست! می‌برند داخل آب یا محلول‌های دیگر.
از طرفی نیشگونی به اکسیژن‌های تنبل می‌گیرند و آنها را هم فعال می‌کنند به همین خاطر می‌توانند به گذردایی طبیعی کمک کنند.

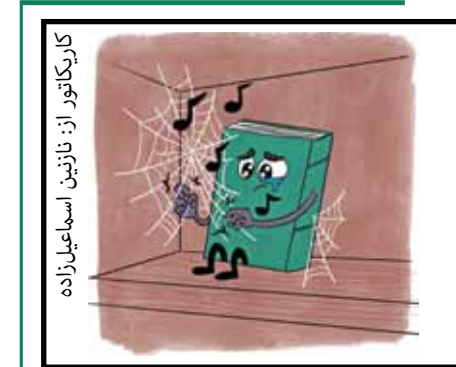
تازه نانوحباب‌ها به خاطر ریزه‌میزه بودن مثل یک نفوذی عمل می‌کنند و در مزارع، گلخانه‌ها یا سیستم‌های تصفیه می‌توانند تا عمق لایه‌های ریشه یا الودگی بروند. تولید نانوحباب‌ها به فناوری پیچیده‌ای نیاز دارد. بله عزیزم! شورا نیست که راحت بشود پخت. احتیاج به دستگاه نانوحباب‌ساز دارد که ایران توانسته بزرگ‌ترین تولیدکننده نانوحباب‌ساز را بسازد.

شاید با خودتان بگویید حالا دستگاهش را ساختیم که چه؟ که باید عرض کنم خدمت‌تان ایران عزیزمان توانسته با استفاده از نانوحباب، تولیدات آبی را دو برابر کند. هورا!

فربا ربیسی

شوخی شوخی

- چندیست که با استرس دنبال کارم بیکارم و از این جهت رفته قرارم باید روم فوری سر کاری وگرنه نه گویدم جای بله زیبا نگارم
- آورده شرط شغل خوب و پر درآمد ضمن شروط دخترش بابای بارم
- هر روز توی سایت‌های کاریابی مثل عقابی تیز دنبال شکارم
- از بس که گشتم روزها را در پی کار شبها زغصه هر نفس جان می‌سپارم
- هر شب مرا رویا به سویی می‌کشاند گاهی فقیر و گاه خیلی مایه‌دارم
- یک شب میان خواب دیدم شغل دارم در یک یگان رزم ارتش استوارم
- توی سکانس بعدیش دیدم که ارتش داده به من ترفیع و بنده تیسارم
- دیدم شبی دیگر که هستم یک مدیر و بودند کل کارمندان جان نثارم
- یک شب معلم بودم و از روی یک لیست دیدم که دارم بچه‌ها را می‌شمارم
- دیگر شبی دیدم که با یک کت زیبا یک دیپلمات کهنه‌کار و باوقارم
- هرچند بنده همچنان بیکارم اما در خواب خوش گویا هزاران کار دارم
- از خواب بیدارم نکن ای دوست شاید در خواب باشد لحظه وصل نگارم



گمشده

بدینوسیله به اطلاع هموطنان عزیز می‌رساند یار مهربانم، همان که همیشه دانا و خوش‌بین بود و سخن‌های فراوانی داشت اما به دلیل اینکه بی‌زبان بود، فریاد تنهاشدنش را نتوانست به گوش ما برساند، در یک روز نامعلوم کتابخانه را به مقصدی نامعلوم‌تر ترک کرده است.

این گمشده ارزشمند (که البته فقط فکرتان را شبیه اینشتین می‌کند، نه موهای‌تان را!) به تازگی در اطراف یک کتابخانه متروکه رویت شده است از پاینده تقاضا می‌شود آن را مطالعه کند و دوباره به آغوش گرم خانواده‌های ایرانی بازگرداند. همچنین از پاینده تقاضا می‌شود چنانچه توانست آن را به کتابخانه برساند به سراغ دوستانش هم رفته و از پندهای فراوان آنان بهره‌ها ببرد.

نقشه واقعی جهان را به دست ترامپ برسائید



دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را آن بچه قرتی بور تحریم کرده ما را	حافظ / برزویه قاسمی
همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر درون وان حمام خلیجی توپ(نایس) می‌سازم!	حافظ / چواد قره محمدی
بدین گونه است آیین زمانه نزن با دشمنت بیهوده چانه	برون اتمضامی / زهره محمدزاده
گفت نی هم نخوانده‌ام بکتاب می‌خرم تا دکور شود زیبا	عنصری / آمنه‌الاحق
سغن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی که بیش از یک دو روزی از نمایشگاه مهلت نیست	حافظ / ابوزیر بهرامی
پر حاشیه کتاب چون نقطه شک بیچاره کتابخانه‌مان بسته کپک	ابوسعد ابوالغیر / آمنه‌الاحق
شویه چشمت فریب جنگ داشت سابقاً جر داده‌ای برجام را	حافظ / مریم حسینی
این چیه دیگه؟ خلیج فارس سگ ماهی آنقدر زشت نداشت!	فاطمه یوجا

هپی برسی‌دی، فردوسی!

نیلوفر نبودی

آقای فردوسی سلام
حالت خوب است؟
راستش مدرسه امروز به ما گفت که تولد شما است. بعد خانم ناظم مثل هرسال رضایتنامه داد تا بابای‌مان امزا کند. حالا ما پنجشنبه می‌آییم توش. همان‌جا ای‌ارمگاه‌تان که بزرگ و سفید است. آنجا خیلی باحال است. جان می‌دهد برای اسکوتر سواری. ما قبلاًها آمدمیم آنجا. یک جمعه در خانه حوصله‌مان سرفشته بود. مادرمان گفت برویم: «یک جای دوری». پدرمان هم گفت بیاییم جای شما. ناهار هم ساندویچ فلافل زدیم. البته مامان‌مان گفت بنویسم خورديم اما بابا گفت: «خانم یاد بگیر، فلافل را نمی‌خورند، می‌زنند.»
خلاصه داشتم می‌گفتم که خانم معلم گفت فردا روز زبان فارسی است. مثل اینکه شما هم آشق زبان فارسی بودید. خیلی سال محکم بغلش کردید. نگهش داشتید. برای همین می‌آییم آنجا. می‌خواهیم برای شما و زبان فارسی جشن تولد بگیریم. من آن عکس‌تان را که یک کتاب را محکم بغل کردید؛ دیدم. دادمش به هوش مصنوعی خوشگلش کند برای هدیه تولد بیاورمش آرامگاه‌تان. فقط قول بدهید که بزنبدر آن موزه تاریک که کارهای رستم و اینها را به دیوار زدید. آقای فردوسی!
ما شما را خیلی دوست داریم که این زبان خفن را برای‌مان سیو کردی. اگر شما نبودی، برای فهمیدن هر کلمه باید کلی در گوگل سرچ می‌کردیم تا بشود با دوست سمیمی‌مان چت کنیم. البته ما کلوزفرندها را جدا کرده و برای آنها ویس می‌دهیم تا به وقت غلت املايي نداشته باشیم. ما هواس‌مان به شما هست تا به قول مادرمان تن‌تان در آرامگاه‌تان ویرنه نرود.
خیلی نوشتم دیگر، دستم افتاد. کاش می‌شد به شما هم ویس داد تا ضرب‌در ۲ گوش کنید.
فقط خاستم به شما خبر دهم بچه‌ها برای سورپرایزتان آهنگ هپی‌برسی‌دی را روی فلش ریخته‌اند. بی‌زحمت به آن آقاهه که آنجا عکس می‌گیرد بگویید برای پنجشنبه با خودش اسپیکر بیاورد. کیک را هم دوستم می‌آورد. شمع را هم به خاطر آن سی سال که معلم‌مان می‌گفت خیلی تلاش کردید، همان عدد سی می‌گیریم.
آقای فردوسی!
به قول بابا کم ما و کرم شما دیگر. امیدوارم حرف بدی نباشد. دم‌تان گرم، ما فتن شما هستیم. همیشه موازب زبان‌مان باش.

استفاده از کلمات فارسی در مکالمه روزمره چه اشکالی دارد؟
(الف) همه می‌فهمند چه می‌گویم
(ب) زبان فارسی حفظ می‌شود
(ج) کلمات فارسی نمی‌توانند سطح علمی ما را به خوبی به رخ مخاطب بکشند
(د) کلاس کار حفظ نمی‌شود

فردوسی برای زندگی در عصر حاضر به چه چیزی احتیاج دارد؟
(الف) جان
(ب) پول، پول خیلی زیاد
(ج) یک لغت‌نامه که بفهمد چه می‌گویم
(د) اعصاب

«س ج خ» چیست؟
(الف) مشق یک دبستانی که به علت آلودگی، مدرسه‌اش مجازی بود.
(ب) پیام رمزی یک فضانورد از ایستگاه فضایی که به علت رفتن برق نصفه ماند
(ج) مخفف سلام. چطور؟ خوبی؟ به دلیل ذخیره زمان برای شکافتن هسته اتم استفاده کرده‌اند.
(د) فحش سانسور شده

تغییر میدیم اسم ایالتاشو حالا که ابزارش فراهم شده

واشنگ کلا، آریز دنا، تازه یورک کنتاکی شم بندر دیلم شده
پَره کالیفر لنگه‌آباد خوبه؟ تلفطش خوبه یا مبهم شده؟
غلط کنه اسم خیابوناشم سعدی و مولانا و ادهم شده
اضافه‌گویی بکنه می‌بینه اسم خودش هم خاله اکرم شده
امیدوارم ببینم اون روزو که کله زردک تو شلغم شده
می‌بینم اون روزو که از پرچمت یکی یکی ستاره‌ها کم شده
به جاش گل لاله وسط نشسته اسم خدا زینت پرچم شده
راتو بکش برو سی خون‌تون حریف تو این دقه رستم شده

نیازمندی‌ها

به یک عدد لغت‌نامه جهت ترجمه اصطلاحات نسل Z و آلفا نیازمندیم. ابوالقاسم فردوسی	به علت تغییر شغل، آموزشگاه زبان انگلیسی فردوسی به فروش می‌رسد	به یک فتوشاپ‌کار حرفه‌ای نیازمندیم تسلط به متون تاریخی امتیاز محسوب می‌شود
کاخ سفید	کاخ سفید	کاخ سفید
تعدادی افراد بلاگر جهت تظاهر به بیماری‌های روحی همچون ADHD, OCD, jpg, xls نیازمندیم. غره ۸۷۶، روانشناسی‌های زرد	فلفل قرمز نیازمندیم. تند و آتشین توانایی سوزاندن دهان تا بیج قبل از کلیه جهت جلوگیری از ادامه جنگ هند و پاکستان	فلافل مخصوص آبادان را در نمایشگاه کتاب تهران تناول کنید ستاد برگزاری مسائل خیلی فرهنگی و هنری کشور
گروه ریش‌سفیدان جنوب آسیا	گروه ریش‌سفیدان جنوب آسیا	گروه ریش‌سفیدان جنوب آسیا



طوبی عظیمی‌نژاد

نقاشی‌ها بالا!

دونالد ترامپ، همان کسی که قبلاً پیشنهاد داده بود برای مبارزه با کرونا باید مایع سفیدکننده تزریق کرد، این بار با یک ایده دیگر آمده تا حواس‌ها را به خود جلب کند؛ «تغییر نام خلیج فارس»!
در یک کنفرانس مطبوعاتی عجیب که بیشتر شبیه برنامه‌های رئالیته‌شو بود، ترامپ با حالتی پیروزمندانه اعلام کرد: «من یک نقشه بسیار قدیمی پیدا کرده‌ام که ثابت می‌کند همیشه نام اینجا خلیج عربی بوده! البته نقشه را خودم طراحی کرده‌ام، اما خیلی قدیمی به نظر می‌رسد!» این حرف واکنش‌های مختلفی داشت که چند نمونه از آن‌ها را با هم می‌خوانیم:
عربستان:
وای! چقدر جالب! ما همیشه این را می‌دانستیم اما هیچ‌کس حرف‌مان را باور نمی‌کرد. در واقع ما حتی یک سند ۳۰۰۰ ساله داریم که تا الان رو نکرده بودیم...!.. الان پیدایش می‌کنم... احتمالاً زیر این بشقاب مک‌دونالد است!
آ... بیخشید دونالد! نقاشی من را کجا گذاشتی؟؟
امارات متحده عربی:
حالا که دارید نام را عوض می‌کنید، لطفاً جزایر سه‌گانه را هم به ما بدهید! اجازه بدهید ناکام از دنیا نرویم، به جان خودتان ما یک پست اینستاگرامی خفن درباره‌اش آماده کرده‌ایم:
#الخلیج_العربی_از_الهند_تا_الامارات!

قطر:
ما کاری به این حرف‌ها نداریم، فقط می‌خواهیم جام جهانی را برگزار کنیم و خلاص! شما هم هر اسمی دوست دارید روی خلیج فارس بگذارید، اما اگر پولی توی این کار هست، حواس‌تان به ما هم باشد ما هم سهم‌مان را می‌خواهیم!
بحرین:
درست است که عرض و طول و تاریخ و جغرافیای زیادی ندارم و خودم هم تازه از ایران جدا شده و مستقل شده‌ام اما من هم می‌خواهم بخشی از این خلیج باشم! من حتی یک ساحل مصنوعی ساختم‌ام که دقیقاً شبیه نقشه‌های ترامپ است! خواهش می‌کنم ما را هم شریک شادی‌تان کنید. قول می‌دهم توی دست و پای‌تان نیچیم.
گوگل مپ:
به اطلاع می‌رسانیم که نام «خلیج فارس» تغییری نکرده است. ترامپ عزیز! بد نیست قبل از ویرایش زدن تاریخ، یک هماهنگی هم با ما بکنید!

دانشمندان ناسا:
ما تلسکوپ‌های‌مان را به سمت خلیج فارس نشانه‌گیری کردیم. اوه! حتی روی مریخ هم آنجا را خلیج فارس صدا می‌کنند!
الکسا دستیار صوتی پیشرفته: متأسفم، من فقط خلیج‌فارس را می‌شناسم. شاید باید یک نقشه واقعی بخیرید. فردی با سن و سال شما باید به‌فکر قیر و قیامتش باشد. این شیطنت‌ها را بگذارید برای بچه‌ها، آقای رئیس‌جمهور!
کویت:
اگر چنددقیقه صبر کنید من یک نقشه رو می‌کنم که خلیج فارس را نشان می‌دهد و روی آن بزرگ با مداد قرمز نوشته خلیج کویت. فقط چند دقیقه دیگر صبر کنید تا نقشه کامل شود.

ویکی‌پدیا:
هرکسی که بخواهد نام خلیج فارس را تغییر دهد، آی‌پی آن را مسدود می‌کنم. حالا اگر جرات دارید اسمش را تغییر بدهید تا نشان‌تان بدهم یک من ماست چقدر کره می‌دهد!
سیری(دستیار صوتی آیفون):
متأسفم، من خلیجی به اسم عربی تاکنون نشنیده‌ام و فقط «خلیج فارس» را می‌شناسم! مطمئنید حال‌تان خوب است؟!
ایران:
کاری نکنید فیلم‌های‌تان را به نمایش بگذارم! هنوز خلیج فارس گفتن را باید تمرین کنید. ایران، در ادامه یک ویدئو پخش کرد: تصویری از یک سنگ‌نوشته هخامنشی با زیرنویس ۲۵۰۰ سال پیش، کوروش بزرگ هم اینجا را «خلیج فارس» می‌نامید.

ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نثر: طوبی عظیمی‌نژاد
دبیر سرویس شعر: فربا ربیسی
دبیر سرویس کارتون: نمین سلیمانی‌نژاد
صفحه‌ار: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی
مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی
https://zil.in/bashgahtanz